

تحریم یک موسیقیدان ناعادلانه است

علی رهبری، آهنگساز و رهبر بین‌المللی ارکستر از تجربه حضور چندماهه خود در مجموعه بین‌المللی مارینسکی سن پترزبورگ روسیه با مدیریت والری گزیگف از شناخته‌شده‌ترین رهبران ارکستر دنیا سخن گفت و افزود، استاد گزیگف تصمیم گرفت زین پس از بنده به عنوان رهبر همهان دائم کنسرت‌های اپرای مارینسکی استفاده کند. این آهنگساز و رهبر ارکستر در پاسخ به پرسشی مبنی بر این که آیا تحریم‌های اخیر غرب علیه روسیه

روی فعالیت‌های هنری این هنرمند و اپرای مارینسکی تأثیر منفی گذاشته یا خیر، گفت: به هیچ وجه تحریم‌ها نه‌تنها در این جریان هنری تأثیر منفی نداشته است، بلکه موجب افزایش مخاطبان فعالیت‌های اپرای مارینسکی هم شده است. وی افزود: به نظر من تحریم‌های غرب هذب‌های به مردم روسیه بود تا بتوانند شاهد هنرنمایی هنرمندی باشند که همواره در سفر برای اجرای برنامه بود و اکنون به واسطه تحریم‌های غرب می‌تواند

شرایطی را فراهم کند تا مردم روسیه بیشتر از هنر اولدت ببرند. رهبری در رابطه با واکنش‌هایی که پس از حضور وی در روسیه با آن روبه رو شد، گفت: باید در جواب منتقدان بگویم اولاشغل من رهبری ارکستر است و اساسا هم با هیچ تحریمی در دنیا موافق نیستم. چرا که تحریم فقط ضرر به جایی زده که هدف نبوده است. بر همین اساس تحریم یک ورزشکار یا یک موسیقیدان در این وائفسا بسیار ناعادلانه است.



مریم فلاح منتقدبزرگمشکر

سینمای ایران پس از انقلاب به‌رغم ورود به موضوعات اجتماعی و حضور موفق نسبی در زمینه سینمای دفاع مقدس، عمدتا از تولید مداوم و جریان‌ساز آثار راهبردی دور ماند. با این‌که در چهاردهم اخیر فیلم‌هایی با مضمون سیاسی و بعضا راهبردی ساخته شده‌اند، تولید این نوع فیلم‌ها میچ‌گاه در سینمای ایران به روند مدیریت شده و پایدار تبدیل نشده است. آنچه از کلیت سینمای ایران و شکل کنونی ساختار و بدنه تولیدی آن نمایان است، غفلت از کارکرد سینما در حوزه راهبردهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. در بهترین حالت، گرایش عمده به طرح مسائل سیاسی در دل سینمای اجتماعی دیده شده است آن هم همواره در خدمت نظام فرهنگی کشور نبوده، فارغ از جنبش‌های فردی توسط مدیران و سینماگران انتقابی، اغلب این آثار به دست جریان‌های شناسایی نشده خلاف آمد راهبردهای کشوری تولید شده‌اند. با همه اینها بر خلاف تمایل همیشگی سینمای ایران شرایطی برای تداوم تولید فیلم‌های سیاسی اثرگذار نیافته است چه رسد به سینمای راهبردی. با وجود این، همواره مطالبه‌هایی از سوی برخی اندیشمندان به الزام و جهت‌دهی سینمای ایران به سوی مسائل راهبردی وجود داشته است و همچنان که اشاره شد در این مسیر گام‌هایی نیز در قالب جنبش‌های فردی برداشته شده است. هرچند با وجود این گرایش و صرف هزینه در جهت آن، همچنان سینمای ایران تا رسیدن به تولید فیلم‌های قابل توجه و متعدد در جهت اهداف ملی فاصله دارد.

۱ ضرورت جبران یک غفلت

به وجود آمدن نگاه راهبردی به سینما امری غفلت شده است که نیازمند انسجام دیدگاه در نهادهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در این زمینه است. با وجود اعلام دفترچه سیاست‌های سینما به‌صورت سالانه که قرار بود بخشی از راهبردهای فرهنگی در حوزه سینما را تصریح کند اما امروز با نگاهی به سال‌های پشت سر در بهترین حالت به اشتباه سینمای سیاسی را از سر ناچاری! سینمای استراتژیک تلقی می‌شود. در حالی که امروزه اهداف اقتصادی و دیپلماسی و روشنگری در زمینه نیازهای روز اجتماعی در دایره سینمای راهبردی قرار می‌گیرد. فارغ از بهره‌برداری نظام سلطه از ابزار سینما برای پیشبرد اهداف کلان سیاسی خود که این روزها امری آشکار است، حتی دیگر کشورهای صاحب سینما از چین و هند گرفته تا کره جنوبی و ترکیه و... به این امر توجه دارند و علاوه بر تبیین راهبردهای سیاسی و فرهنگی خود حتی برای اهداف به نظر غیرمرتبط مثل رشد تیم‌های ورزشی و سهم‌گیری از میادین ورزشی هم در سینمای راهبردی خود زمینه‌سازی می‌کنند. در این میان صدافسوس از غفلت و انجماد سینمای ایران.

۲ آموختن تولید فیلم تماشایی

در گام نخست حاکمیت باید سینما را به‌عنوان یک زبان مستقل در هنر و صنعت به رسمیت بشناسد و از آن همچون ابزاری برای تبیین شرایط گذشته، حال و آینده ایران در تمام زمینه‌های اولویت‌دار بهره بگیرد. از تبیین جایگاه علمی کشور تا طرح‌های مرفقی اجتماعی و توسعه ورزش و هدف‌گذاری جهانی و.... از طرفی شکل‌گیری سینمای راهبردی ایران، ذیل سینمای ملی با ضرورت‌هایی همراه خواهد بود. ازجمله مهم‌ترین ضرورت‌ها یادگرفتن زبان سینما و آموختن راه‌فیلمسازی با کیفیت است. این اتفاق لاجرم در دل سینمای حرفه‌ای صنعتی ممکن خواهد بود. قطعا اهمیت آموختن زبان سینما و شکل‌گیری ساختار صنعتی تولید فیلم در سینمای ایران مقدمه‌ای برای شکل‌گیری سینمای راهبردی در ایران خواهد بود.

۳ آنچه گذشت!

شاید بتوان سیاست‌های دولتی دهه ۶۰ را با اغماض یابیوتی از دستیابی به سینمای استراتژیک دانست. سینمای ایران پس از انقلاب بیش از هر چیز به تولید فیلم‌هایی با مضمون تبیین ظلم و ستم و خیانت‌های رژیم پهلوی گرایش یافت. به‌طور طبیعی این نتیجه انقلاب اسلامی و کشوده شدن امکانی بود که برای ساخت فیلم سیاسی فراهم شده بود. امکانی که تا پیش از انقلاب تحت تأثیر دو جریان عمده و مهم فیلمفارسی و موج‌نو در سینمای ایران کمتر به چشم می‌خورد. هرچند نمونه‌هایی نظیر فیلم گاو (۱۳۴۸) داریوش مهرجویی و گوزن‌ها (۱۳۵۲) مسعود کیمیایی در سینمای پیش از انقلاب به‌عنوان آثاری با مضامین حق‌خواهی قابل اشاره هستند.

در فیلم‌های اولیه پس از انقلاب عمده مضامین به وضعیت فساد و ظلم رژیم پیشین اشاره

داشت. آثاری نظیر خانه عنکبوت (۱۳۶۲) علیرضا داوودنژاد، تشریفات مهدی قسیم‌زاده، تیرباران (۱۳۶۶) علی‌صفر شادروان و ترن(۱۳۶۷) امیر قوبدل نمونه‌هایی از این آثار هستند. عمده این آثار به‌دلیل نزدیک بودن به وقایعی که از آن برگرفته شده بودند و همچنین تسلط سازندگان به زبان سینما، تبدیل به آثاری مهم و ماندگار شدند. این تولیدات حاصل شکلی از ریل‌گذاری مدیریتی بود که نیم‌نگاهی به جریان‌سازی براساس مفاهیم انقلابی داشتند.

۴ فیلمسازان خودجوش در برابر کارشکنی مدیران!

با شروع جنگ تحمیلی به خصوص در آثار سینمای دفاع‌مقدس ایران، نمونه‌هایی بسیار مهم از سینمای راهبردی ایران به چشم می‌آید. مهم‌ترین فیلمسازان دفاع‌مقدس ایران بعدها به عنوان مهم‌ترین فیلمسازان پس از انقلاب نیز شناخته شدند، کارگردانانی نظیر رسول ملاقلی‌پور، جمال شورجه، عزیزا... حمیدنژاد، احمدرضا درویش و ابراهیم حاتمی‌کیا ازجمله سینماگرانی بودند که با فیلم‌های خوش ساخت خود در عرصه سینمای دفاع‌مقدس مطرح و بعدها تبدیل به بخشی از بدنه سینمای ایران شدند. به این معنا سینمای دفاع‌مقدس ایران سازنده نسلی از سینماگران انقلابی شد که بعدها آثار سیاسی و اجتماعی مهمی تولید کردند که در مسیر راهبردهای انقلاب ودفاع بود. این جریان اما عموما زاینده همت و اعتقادات و سختکوشی فردی بود و در مسیرخود به شکل شگفت‌انگیزی با سنگ‌اندازی، کارشکنی و مقاومت مدیران فرهنگی مواجه شد. عاقبت تلخ فیلم‌هایی مثل نجات یافتگان ساخته رسول ملاقلی‌پور در اکران به عنوان نمونه‌ای بارز از این روند قابل توجه است.

ابن گروه فیلمسازان اما با شناخت دقیق از ضرورت‌های زمانه خود به مسیر آگاهی بخشی خود ادامه دادند و با قبول دشواری‌ها جای خالی نگاه راهبردی به سینما از سوی مدیران را در اندازه توان فردی خود پرکردند. فیلم‌هایی نظیر آژانس شیشه‌ای (۱۳۷۶) ابراهیم حاتمی‌کیا، قارچ سمی(۱۳۸۰)ونسل سوخته(۱۳۷۸) و کمکم کن(۱۳۷۷) هر سه از رسول ملاقلی‌پور و متولد ماه مهر(۱۳۸۷) احمدرضا درویش برخی از این نمونه‌ها هستند. این فیلم‌ها، متناسب با فضای سیاسی و اجتماعی جامعه ایران انطباق داشتند.

۵ راهبردهای اجتماعی الکن

می‌توان دوره بعدی در سینمای سیاسی ایران را متعلق به فیلم‌های جریان روشنفکری فعال شده پس از آغاز دولت اصلاحات(۱۳۷۶) دانست. در این زمان فیلم‌ها از حیث فضای اجتماعی لحن دیگری پیدا کرده و بیش از قبل رویکردی

نقدانده نسبت به فضای پیرامون یافته بودند. آثاری همچون پارته(۱۳۷۹) سامان مقدم، کاغذ بی‌خط(۱۳۸۰) ناصر تقوایی، بانوی اردبیهشت(۱۳۷۶) رخشان بنی‌اعتماد، درخت گلانی(۱۳۷۶) داریوش مهرجویی، زیر پوست شهر(۱۳۷۹) رخشان بنی‌اعتماد، دختری با کفش‌های کثانی(۱۳۷۰) و من ترانه پانزده سال دارم(۱۳۸۰) هر دو از رسول صدراعلمی فیلم‌هایی بودند که می‌توان آنها را نمونه‌هایی از راهبردهای سیاسی-اجتماعی این دوران به شمار آورد. عمده این آثار طعنی تازه به شمار می‌آمدند که در نوع خود نسبتی با سیاست و اجتماع یافته بودند. مهمترین مضمون این آثار نگاهی انتقادی به شکل جامعه جدید ایران، همچنین مسائل زنان و جوانان بود. جریانی که زمینه‌های نگاه راهبردی در مدیران وقت را همراه داشت ولی با خروج این گروه مدیران از قدرت و پایان حمایت‌های مالی دولت دوم اصلاحات در ادامه حیات خود الکن ماند و به جریانی قشری بدل شد که فیلم‌هایی به دور از نیاز جامعه و ضرورت‌های نظام فرهنگی ساخت و سینمای راهبردی را منتظر نسلی نو به انتظار گذاشت.

۶ نسل نوی خودجوشان!

پس از دوره اصلاحات در حالی که فیلم‌های سیاسی و حتی سیاسی اجتماعی کمتر شکل منسجم دوره اصلاحات را داشت و رفته‌رفته با تولید فیلم‌هایی با مضامین قشری همچون خیانت به ضدجریان کلان نظام فرهنگی کشور بدل شد و به تریزق ناامیدی و تباهی پرداخت. در این دوران نسل نوی فیلمسازان در فضایی مه‌آلود به عرصه آمدند. کارگردانانی چون پرویز شهبازی، محمدحسین مهدویان، بهروز شعیبی و... در این دوره فیلمسازان فارغ از درستی یا نادرستی انتخاب موضوع و دیدگاه در گونه‌های مختلف گرایش‌های سیاسی خود را در تار و پود فیلم‌ها تنیده‌اند.

از طرفی در این میانه فیلمسازان شاخص سینمای دفاع‌مقدس که پس از دوم خرداد تجربه‌های موفق سینمای سیاسی و اجتماعی را خلق کرده بودند همچنان به مضامین اجتماعی و سیاسی توجه‌نشان دادند و چه بسا با احساس نیاز در اجتماع بر رنگ‌تر از گذشته به طرح مسائل پرداختند.

۷ ناهماهنگی نهادهای ذی‌نفع و ذی‌نقش

یکی از شگفتی‌های سینمای ایران تولید فیلم‌های راهبردی است که‌گاهی به‌سفارش ساختار رسمی تولید می‌شوند ولی پس از تولید، به سرعت توقیف شده یا به گردونه اکران وارد نشده‌اند. شاخص‌ترین اثر در این حوزه فیلم « مارمولک » ساخته کمال تبریزی است که حتی در زمان اکران جشنواره‌ای با وجود جریان تخریبی رسانه‌های معاند با استقبال عمومی مواجه شد ولی با تغییر تاکتیک همین رسانه‌ها و حمایت هدفدار از فیلم، در زمان اکران توقیف شد! سال ۸۸ در دفترچه سیاست‌های سال سینما مقرر شد زمینه ساخت فیلم‌های سیاسی بیش از پیش فراهم گردد. در همان مقطع، به رنگ ارغوان ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا بعد از پنج سال توقیف به عنوان فیلمی با موضوع سیاسی وارد بیست و هشتمین جشنواره فیلم فجر شد و جوایزی را از آن خود کرد به نمایش درآمد ! سرنوشتی شبیه مارمولک برای این فیلم اتفاق افتاد که نشان از ناهماهنگی نهادهای ذی‌نقش و ذی‌نفع به عنوان مهم‌ترین مانع شکل‌گیری سینمای راهبردی دارد. سیاست ترویج ساخت فیلم‌های سیاسی طی یک سال به تولید فیلم‌هایی چون ۲۳ روز جمال شورجه، گزارش یک جشن حاتمی‌کیا و خیابان‌های آرام کمال تبریزی، اخراجی‌ها ۳ مسعود دهنمکی، پایان‌نامه حامد کلاه‌داری و جعبه سیاه محمدرضا اسلاملو منجر شد؛ کارهایی که در جشنواره بیست و نهم به نمایش درآمدند. وضعیت تولید فیلم‌هایی با تم سیاسی در سال ۹۰ نیز به همین ترتیب ادامه یافت و آثاری چون پل چوبی مهدی کرم‌پور، خصوصی محمد حسین فرحبخش و قلاذه‌های

طلا ابوالقاسم طالی، تلفن همراه رئیس‌جمهور علی عطشانی، گیرنده مهرداد غفارزاده، گشت ارشاد سعید سهیلی، یک سطر واقعیت علی وزیریان و فیلالدفی اسماعیل رحیم‌زاده و سیدمجتبی اسدی که در سی‌امین جشنواره فیلم فجر به نمایش گذاشته شدند به ثمر نشست، اما باز هم خبری از راهبرد مدیریت‌شده نبود.

استرداد ساخته مهرداد غفارزاده، تولید فاخر بنیاد سینمایی فارابی در سال ۹۱ هم فیلمی با موضوع یک اتفاق مهم تاریخی- سیاسی بود که در کنار دو فیلم تنهای تنهای احسان عدبی‌پور و فرشتگان

قصاب سهیل سلیمی به‌عنوان فیلم‌هایی با مضامین راهبردی تولید و به سی‌ویکمین جشنواره فیلم فجر راه پیدا کردند. «ج» به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا که آن هم با حمایت بنیاد سینمای فارابی ساخته‌شده بود، در جشنواره سی‌ودوم به

فستیوال

خواننده «صورتگر» مرد سال ۲۰۲۲

رامین حسین پور با ویدئوآرت «صورتگر» توانست برنده بهترین خواننده سال ۲۰۲۲ فستیوال بین‌المللی کالیفرنیا لس آنجلس که زیر نظر جوایز گرمی فعالیت می‌کند، شود و جایزه ترافی (جام) را در این رقابت با حضور دیگر رقبای بین‌المللی از آن



خود کند. این فستیوال به تازگی جوایز خود را به برندگان اعلام کرده است. این ویدئوآرت سال ۱۴۰۰ تحت مجوز دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ساخته شده است و تاکنون جوایزی مثل جایزه بهترین کارگردان، مستندساز، بهترین فیلم کوتاه تلفیقی فستیوال بین‌المللی «استکهلم» سوئد، بهترین آهنگساز «آگرب» کرواسی، بهترین کانسپت‌آرت در بخش‌های معماری، سینما و موسیقی از جشنواره جهانی لس آنجلس، جایزه بهترین موزیک ویدئو در فستیوال بین‌المللی مستقل و نکوور کانادا، جایزه بهترین جلوه‌های ویژه موزیک ویدئو اوارز پراگ چک، تقدیر ویژه هیات داوران و راهیابی به بخش نهایی بهترین موزیک ویدئو اوارز لندن انگلستان، جایزه بهترین موزیک ویدئو در فستیوال بین‌المللی آرت بلاکس مسکو و... را کسب کرده است.

یادبود

رونمایی از تابلوی «نازنین بانوی دو عالم»

آیین گرامیداشت یاد و خاطره زنده‌یاد حبیب‌ا... صادقی با عنوان «یاد حبیب» در قالب چهار رویداد هنری در حوزه هنری برگزار می‌شود. طبق برنامه‌ریزی انجام شده، ساعت ۱۵ دوشنبه ۲۶ دی آیین گشایش نمایشگاه گروهی پوستر و نقاشی در گالری ابوالفضل عالی ۱ حوزه هنری برپا می‌شود. سپس سردیس و ویژه‌نامه مرحوم صادقی و پس از آن اثر دیده‌نشده استاد با عنوان «نازنین بانوی دو عالم» رونمایی خواهد شد. در بخش بعدی آیین گرامیداشت زنده‌یاد صادقی، مستند پرتزه «هنرمند واحد۵» ساعت ۱۵:۲۵ در تالار سوره اکران می‌شود.

فیلم مستند «هنرمند واحد ۵» به کارگردانی محمدصالح حجت‌الاسلامی و تهیه‌کنندگی حسین نشاطی روایتی از زندگی هنری و حرفه‌ای زنده‌یاد حبیب‌ا... صادقی، نقاش، منتقد هنری و کاریکاتوربست مطرح کشور است که مرداد امسال دار فانی را وداع گفت. این مستند با حضور حدود ۲۰ چهره مطرح هنری، به مرور ابعاد هنری و فعالیت‌های این هنرمند مطرح دهه‌های اخیر پرداخته است. این فیلم مستند پیش از این در شانزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینما حقیقت» اکران و رونمایی شد.



تاثیر آلودگی هوا بر مجسمه‌های شهری

اگر از کنار میدان حر رد شوید، خواهید دید که شیرهای اصلی این میدان که از جنس مس هستند در رنگ شده‌اند و دقیقا مشخص نیست که این مجسمه‌ها سیاه هستند یا مسی. به نظر می‌رسد دو رنگ‌شدن شیرهای اصلی میدان حر که توسط غلامرضا رحیم‌زاده از رنگ از جنس مس ساخته شده است، به علت در معرض آلودگی هوا بودن است، هرچند در بررسی‌ها مشخص شده این مجسمه‌ها دچار آسیب هم شده و نیازمند ترمیم هستند.

